

بررسی میزان بسندگی و مقبولیت ترجمه مضامین علمی آیات قرآن کریم

بر اساس مدل تلفیقی-تکمیلی تبدیل

(مطالعه موردی: ترجمه انگلیسی آربری، ایروینگ، یوسف علی و صفار زاده)

راضیه اسلامی^{۱*}، مرضیه مختاری^۲

۱- استادیار، گروه زبان انگلیسی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

چکیده

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد، که بطور ضمنی و تلویحی به موضوعات علمی اشاره می‌کند. هرچند که ابعاد علمی این آیات در زمان نزول قرآن ناشناخته بود، اکنون، مسأله این است که ترجمه نامناسب مضامین و مجازهای علمی، "اعجاز علمی" این آیات را منعکس نمی‌کند. هدف از تحقیق پیش‌رو، بررسی ترجمه آیات علمی قرآن به زبان انگلیسی و دستیابی به این مهم است که آیا ارتباطی بین بسندگی^۱ مقبولیت^۲ و توضیحی^۳ / غیرتوضیحی^۴ بودن در امر ترجمه وجود دارد یا خیر؟ به این منظور پس از انتخاب آیات علمی قرآن براساس چهار تفسیر معتبر، چهار ترجمه انگلیسی- آربری، ایروینگ، یوسف علی و صفار زاده- انتخاب شدند. ترجمه‌های مذکور از دیدگاه نظری مدل ترجمه توری و نیز یک دیدگاه تلفیقی-تکمیلی تبدیل^۵ در ترجمه (مدل چسترمن- زاهدی) بررسی شدند و سپس ترجمه‌ها از لحاظ کیفیت معنایی و انتقال مضمون علمی مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بیشترین تعداد تبدیل به ترتیب در ترجمه‌های صفارزاده، یوسف علی و ایروینگ وجود دارد. ترجمه‌های مذکور، در مدل ترجمه توری، ترجمه‌هایی مقبول تلقی می‌شوند. صفارزاده، یوسف علی و ایروینگ- با نوع ترجمه مقبول تر- مضامین علمی را در تعداد بیشتری از آیات انتقال داده‌اند تا آربری که ترجمه‌ای بسنده تر دارد. ترجمه‌های مقبول تر آیات علمی، ترجمه‌هایی توضیحی بوده و به‌طور کمی و کیفی معانی ضمنی و تلویحی را بیشتر و بهتر منتقل می‌کنند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیات علمی، تبدیل در ترجمه، مدل تلفیقی تکمیلی تبدیل

۱- مقدمه

آیات شریفه قرآن کریم یک معنای ظاهری دارند که تقریباً قابل فهم برای عموم است، لیکن معانی ضمنی و مجازی که به راحتی قابل درک نیستند، برای مترجمین مشکلاتی پدید می-آورند. آیات علمی، که ضمناً، تلویحاً یا مجازاً به موضوعی علمی اشاره می-کنند، به خصوص نیازمند دقت بیشتر مترجم در فرآیند ترجمه هستند. اولین نکته مهم در ترجمه اینگونه آیات این است که ترجمه می-بایست، نکته پنهان علمی را به زبان مقصد منتقل کند. مسئله دوم این است که ترجمه چنین آیاتی بدون استفاده از تفاسیر معتبر میسر نیست. سومین نکته این که از آنجا که دستاوردهای علمی جدید، هر روز جنبه جدیدی از اعجاز علمی قرآن را می-نمایاند، ترجمه آیات علمی بایستی به روز باشد و نکته چهارم اینکه ترجمه تحت الفظی چنین آیاتی معانی باطنی را منعکس نمی-کند و راهکار ترجمه، استفاده از توضیح است. توضیح بر متن از منظر ترجمه "نوعی تبدیل در ترجمه" محسوب می-شود. پس در این تحقیق تبدیل نقشی کلیدی داشته و اساس روش مطالعاتی خواهد بود. تبدیل در ترجمه به تمام تغییراتی گفته می-شود که در متن مقصد نسبت به متن مبدا در هنگام ترجمه به وجود می-آید (توری، ۱۹۹۵: ۵۷).

با بررسی تعداد تبدیل و نوع تبدیل در هر ترجمه نوع هنجار غالب بر ترجمه نمایان خواهد شد که راهکاری برای ترجمه اختصاصاً مضامین علمی و عموماً معانی پنهان قرآن کریم خواهد بود. هدف از تحقیق پیش رو یافتن جواب پرسش‌های ذیل است:

۱. از چهار ترجمه انگلیسی مورد مطالعه (آربری، ایروینگ، یوسف علی و صفار زاده) کدامیک طبق چهارچوب نظری توری ترجمه‌ای مقبول‌تر و کدامیک ترجمه‌ای بسنده‌تر است؟

۲. آیا لزوماً ترجمه‌های توضیحی نسبت به ترجمه‌های غیر توضیحی بهتر می‌توانند مضامین علمی را به زبان مقصد منتقل کنند؟

۳. از بین ترجمه‌های منتخب (آبروی، ایروینگ، یوسف علی و صفار زاده)، کدام ترجمه و از بین دسته بندی‌های ترجمه ترجمه مقبول/ بسنده کدام دسته مضامین علمی را بیشتر به زبان مقصد منتقل کرده است؟

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی در ارتباط با اعجاز علمی قرآن صورت گرفته است. آقایانی چاوشی (۱۳۹۱) جنبه پزشکی تعدادی از آیات قرآن کریم را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. ابراهیمی و فاضل (۱۳۹۱)، در "نگاهی نو به پدیده جنین شناسی در تفسیر علمی آیات قرآن" مراحل رشد و تکمیل جنین انسان را از آیات مختلف استخراج کرده‌اند. یوسف حاج احمد (۲۰۱۰) به اعجازهای علمی بسیار زیادی در قرآن اشاره کرده است؛ از تئوری "بیگ بنگ" گرفته تا مراحل تکوین و پیدایش جهان، منحصر به فرد بودن اثر انگشت هر شخص، لوبهای مغز انسان و موضوعات علمی بسیار زیاد دیگری که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است. نکته حائز اهمیت آن است که مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته مطالعاتی زبان شناسی و معنایی/ تفسیری است. در حوزه مطالعات ترجمه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است.

رستمی و شاهین پور (۱۳۹۴) لغزشهای مترجمین فارسی را در دو آیه مربوط به شکل گیری ابر، باران و تگرگ بررسی کرده اند.

فرغال و بلووشی (۲۰۱۲) نظریه بلام کولکا^۶ را در پنج ترجمه انگلیسی قرآن پیاده کرده و به این نتیجه رسیدند که "تبدیل‌های مربوط به حفظ انسجامات متنی" در برگردان قرآن از عربی به انگلیسی یکی از مشکلات اساسی ترجمه محسوب می‌شوند.

حیدری نیا (۲۰۱۴) نحوه استفاده از تبدیل را در ترجمه صنعت ادبی "تشبیه" در ده ترجمه انگلیسی بررسی میکند. از بین ده مترجم منتخب وی، ایروینگ، یوسف علی و صفارزاده، به ترتیب، بیشترین تعداد تبدیل را در ترجمه‌های خود داشته‌اند و ترجمه آن‌ها

متماایل به هنجارهای زبان مقصد است یا اصطلاحاً مقصد-گرا است. آربری کمترین تعداد تبدیل را داشته و ترجمه وی متمایل به هنجارهای زبان مبدأ است یا اصطلاحاً مبدأ-گرا است.

در تحقیق حیدری نیا (۲۰۱۴) آربری از لحاظ فراوانی تبدیل اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مترجمین دارد. همچنین ایروینگ، یوسف علی و صفارزاده بیشترین تعداد تبدیل را در بین ده مترجم دارند؛ یحیی دخیسی (۲۰۱۸)، چند نقش دستوری خاص را مطالعه کرده و به این نتیجه می‌رسد که ساختارهای خاصی از جمله تغییر ترتیب کلمات در جمله، تبدیل‌های زمانی، حذف و ساختارهای مجهول منجر به عدم تقارن دستوری جملات در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی می‌شوند.

نجار، کویی و ابوالحاج (۲۰۱۹)، ترجمه سوالات تبیینی^۷ قرآن کریم را در دو ترجمه انگلیسی بررسی کرده‌اند. بررسی این نوع سوالات که اصولاً هدف استفهامی ندارند بلکه هدف تأکیدی، انکار و یا آزمایش دارند، طبق مدل هلیدی و حسن^۸ (۱۹۸۵) و نظریه تبدیل کتفورد (۱۹۶۵) صورت گرفته است. خالد یحیی بلنکینشیپ (۲۰۱۹) به برخی مشکلات در ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی اشاره می‌کند، از جمله تغییر ترتیب و توالی کلمات، ساختارهای موازی و همسان، نحوه استفاده از حروف ربط برای اتصال ساختارهای مشابه، حروف ربط و پیوندها و حذف به قرینه لفظی. وظیفه مترجم انتقال مفهوم دقیق کلمات است که با بکارگرفتن راهکارهای مناسب برای مشکلات ترجمه فوق‌الذکر چنین امری ممکن می‌شود.

بلنکینشیپ (۲۰۱۹) به این نتیجه می‌رسد که به منظور هرچه قابل فهم تر کردن ترجمه برای مخاطبین مترجم می‌بایست تبدیل‌های غیر اجباری را تشخیص دهد و در ترجمه اعمال کند. به این معنا که بلنکینشیپ (۲۰۱۹) تأیید می‌کند که در ترجمه آیات قرآنی، ترجمه نسبتاً مقبول بر ترجمه نسبتاً بسنده برتری دارد.

راعد الجباری (۲۰۱۴) پرسشنامه‌های هدفمندی تنظیم کرده و بین افراد انگلیسی زبان توزیع می‌کند. وی از محل این پرسشنامه‌ها به مشکلاتی که در برگردان انگلیسی ترجمه‌های آربری، علی‌خان و الحلال وجود دارد پی میبرد. راعد الجباری راهکارهایی ارا نه می‌دهد برای ترجمه اصطلاحات، ویژگیهای خاص سبک نوشتاری و وقایع و خصوصیات فرهنگی قرآن کریم. بکارگیری این راهکارها در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی باعث می‌شود ترجمه برای مخاطب روشن و قابل فهم شود. یافته‌های تحقیق راعد الجباری (۲۰۱۴) تأیید می‌کنند که برای ترجمه مضامین فرهنگی قرآن کریم، ترجمه مقبول بر ترجمه بسنده ارجح است.

حسین عبدالرئوف (۲۰۰۵) تبدیل‌های فرهنگی را در ترجمه قرآن از عربی به انگلیسی مورد مطالعه قرار داده و این تبدیل‌ها را طبق نظریه کتفورد^۹ (۱۹۶۵) دسته‌بندی کرده است. یافته‌های تحقیق حسین عبدالرئوف (۲۰۰۵) به این موضوع اشاره دارند که در فرایند ترجمه قرآن از زبان عربی به زبان انگلیسی، به دلیل فواصل فرهنگی موجود بین دو سیستم زبانی، استفاده از تبدیل‌های فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است. وی در تحقیق خود انواع تبدیل را مورد مطالعه قرار می‌دهد از جمله تبدیل‌های گرامری، تبدیل‌های مربوط به گروه و تبدیل‌های مربوط به سبک نوشتاری. عبدالرئوف همچنین زیر شاخه‌های تبدیل‌های فوق را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. مهمترین این تبدیل‌ها عبارتند از:

- تبدیل در زمان جمله

- تبدیل در نوع کلمه

- تبدیل در واحد زبانی

از دیدگاه عبدالرئوف، در ترجمه بعضی بخش‌ها و بعضی از مضامین خاص قرآن کریم و همچنین در ترجمه اصطلاحات فرهنگی قرآن استفاده از تبدیل لازم است. به این ترتیب، یافته‌های تحقیق عبدالرئوف نیز تأیید می‌کنند که ترجمه مقبول ارجح است.

با وجود مطالعات بسیار زیادی که تا کنون در زمینه‌های مختلف قرآن کریم و به خصوص در زمینه ترجمه آیات به زبان انگلیسی صورت گرفته است میتوان اذعان داشت که در زمینه ترجمه ارجاعات علمی قرآن به زبان انگلیسی تقریباً تحقیقی انجام نشده است. تحقیق پیش‌رو در نظر دارد بر اساس یک مدل تلفیقی-تکمیلی تبدیل در ترجمه میزان بسندگی و مقبولیت چهار ترجمه انگلیسی قرآن را سطح بندی کند و بررسی کند که کدامیک از این دو نوع ترجمه مفاهیم علمی را بیشتر به زبان مقصد منتقل می‌کنند.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- هنجار^۱ در ترجمه

مفهوم هنجار، اولین بار توسط لوی^{۱۱} (۱۹۶۳) به دنیای مطالعات ترجمه معرفی شد. پس از لوی، زهر^{۱۲} (۱۹۷۱) در رساله دکتری خود مفهوم هنجار را مورد بررسی قرار داد. توری^{۱۳} نیز مطالعات تکمیلی در خصوص هنجار به ثبت رساند (۱۹۷۷، ۱۹۸۰، ۱۹۹۵).

به‌طور کلی، هنجارها بایدها و نبایدها هستند، هنجارها «ایده‌ها و ارزش‌های یک جامعه هستند- اینکه چه چیزی درست است و چه چیزی غلط، چه چیزی مناسب است و چه چیزی نامناسب- که به‌صورت یک سری دستورالعمل ترجمه می‌شوند. این دستورالعمل‌ها قابل اجرا و مناسب برای موقعیت‌های خاص هستند» (توری، ۱۹۹۵: ۵۵). هنجارها در زمینه‌های بسیار زیادی کاربرد دارند. از جمله می‌توان به کاربرد هنجار در ترجمه اشاره کرد. توری (۱۹۹۵) هنجارهای ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند:

هنجارهای اولیه^{۱۴} دیدگاه مترجم را تعیین می‌کنند؛ اینکه مترجم ترجیح می‌دهد قوانین متن مبدأ را پیاده کند یا قوانین متن مقصد را: «ترجمه مبدأ-گرا ترجمه بسنده است. در صورتیکه ترجمه مقصد-گرا منجر به ترجمه‌ای مقبول می‌شود» (توری، ۱۹۹۵: ۵۶).

اگر مترجم در ترجمه خود بیشتر به متن مبدأ گرایش داشته باشد، ترجمه وی "بسنده" است و اگر مترجم در ترجمه خود بیشتر به متن مقصد گرایش نشان دهد و هنجارهای متن

مقصد را در ترجمه خود به کار گیرد، ترجمه وی "مقبول" خواهد بود. نکته حائز اهمیت آن است که ترجمه نه کاملاً "مقبول" است و نه کاملاً "بسند" بلکه تلفیق و ترکیبی از بسندگی و مقبولیت است.

هنجارهای مقدماتی^{۱۵} «به سیاست گذاریهای ترجمه و مستقیم ترجمه شدن از متن مبدأ اشاره می کنند» (توری، ۱۹۹۵: ۵۸). سیاست گذاری در ترجمه به یک سری عوامل اشاره می کند که منجر به انتخاب نوع خاصی از متون می شوند؛ مثلاً مترجم ترجیح می دهد متون ادبی را انتخاب کند تا متون حقوقی، اقتصادی، سیاسی و یا سایر متون.

هنجارهای عملیاتی^{۱۶} به هنجارهایی اشاره می کنند که بر تصمیم گیری های مترجم در حین انجام ترجمه تأثیر می گذارند. مثلاً باعث انتخاب لغتی خاص یا حذف جمله ای خاص می شوند (توری، ۱۹۹۵: ۵۹).

در این تحقیق، هنجارهای اولیه (توری، ۱۹۹۵) به کار گرفته شده اند تا بررسی شود کدام یک از ترجمه های منتخب قرآن کریم "بسند تر" و کدام یک "مقبول تر" است. این دسته بندی به منظور بررسی درستی و یا نادرستی فرضیه تحقیق است مبنی بر اینکه "ترجمه های توضیحی در انتقال ارجاعات علمی آیات موفق تر هستند." ترجمه های توضیحی که ترجمه هایی خواننده محور هستند در دسته بندی ترجمه های "مقبول" و ترجمه های غیر توضیحی در دسته بندی ترجمه های "بسند" قرار می گیرند.

۳-۲- تبدیل در ترجمه

یک راه بررسی و تحقیق در مورد هنجارهای موجود در ترجمه، مطالعه تبدیل در ترجمه است. دیدگاه مترجم نسبت به ترجمه و ایدئولوژی های خاص وی، نهایتاً در تبدیل هایی که وی در حین ترجمه انتخاب و اعمال می کند، منعکس می گردد. تبدیل در ترجمه تغییراتی است که در روند ترجمه یا در حین انتقال از زبان مبدأ به زبان مقصد رخ می دهد.

تفاوت‌های ساختاری، دستوری، زبانی و فرا زبانی موجود بین دو زبان مبدأ و مقصد دلیل اصلی تبدیل در ترجمه است.

واینی و داربلنه^{۱۷} (۱۹۵۸؛ ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰) اولین افرادی بودند که در تئوری‌های خود موضوع تبدیل را مطرح کردند.

کتفورد در سال ۱۹۶۵ واژه تبدیل را به دنیای مطالعات ترجمه معرفی کرد. از نظر کتفورد که دیدگاهی زبان‌شناسانه نسبت به ترجمه دارد، تبدیل یعنی: «تغییر ساختار رسمی زبان مبدأ به زبان مقصد» (کتفورد، ۱۹۶۵: ۴۵).

ملون^{۱۸} (۱۹۸۸) مجموعه اصطلاحات بسیار سخت و پیچیده‌ای در تعریف تبدیل ارائه می‌دهد که بکارگیری آن‌ها در فرایند ترجمه بسیار چالش برانگیز و تقریباً ناممکن است. (چسترمن، ۱۹۹۷) ون لون زوارت^{۱۹} (۱۹۸۹؛ ۱۹۹۰) تبدیل‌های معنایی، دستوری و تبدیل‌های مربوط به سبک و سیاق را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی تأثیر تبدیل‌های زیر سطح را بر تبدیل‌های ابرسطح^{۲۰} بررسی می‌کند.

توری در طبقه‌بندی ترجمه‌ها به دو قطب "بسنده" و "مقبول" به نوع تبدیل اشاره نمی‌کند و فقط می‌گوید: «مقبول‌ترین ترجمه‌ها تبدیل‌ها و تغییرات زیادی نسبت به متن مبدأ دارند» (توری، ۱۹۹۵: ۵۷). بنابراین، ترجمه‌هایی که بیشترین تعداد تبدیل را دارند "مقبول‌تر" و ترجمه‌هایی با تعداد کمتری تبدیل "بسنده‌تر" هستند.

تحقیق پیش‌رو بر آن است که ترجمه آیات علمی قرآن را بر اساس هنجارهای اولیه توری (۱۹۹۵) به دو دسته "مقبول" و "بسنده" تقسیم کند. لازم به ذکر است که ترجمه همیشه جایی مابین دو قطب "مقبول" و "بسنده" است و از آنجا که هیچ ترجمه‌ای نه کاملاً "بسنده" است و نه کاملاً "مقبول" پیشنهاد می‌شود، برای تبیین ترجمه‌ها اصطلاح "بسنده‌تر" و "مقبول‌تر" به کار گرفته شود.

به منظور انجام تجزیه و تحلیلی جامع و پوشش دادن تمام انواع تبدیل، این تحقیق مدلی تلفیقی-تکمیلی از تبدیل ارائه داده و به کار می‌گیرد. این مدل تلفیقی-تکمیلی بر

اساس استراتژیهای چسترمن و دسته بندی شیفت زاهدی تدوین شده است. لازم به ذکر است که دسته بندی زاهدی، خود، یک مدل ترکیبی-تلفیقی است.

۳-۲-۱- استراتژیهای چسترمن: تبدیل در ترجمه

در کتاب الگوهای رفتاری ترجمه (۱۹۹۷)، چسترمن ضمن تعریف استراتژی تبیین می کند که استراتژیها نیز در اصل نوعی الگوی رفتاری در ترجمه هستند. مترجمین برای حل مشکلات ترجمه از استراتژیهای ترجمه کمک می گیرند. استراتژیها تغییراتی را نشان میدهند که در متن مقصد صورت گرفته اند. زمانی که متن مبدأ و مقصد با یکدیگر مقایسه می شوند این تغییرات کاملاً مشخص می شوند. این استراتژیها به سه دسته تقسیم می شوند: دستوری^{۲۱}، معنایی^{۲۲} و کاربردی^{۲۳}.

استراتژیهای دستوری، ساختار گرامری متفاوتی در متن مقصد ایجاد می کنند (در قیاس با متن مبدأ). استراتژیهای معنایی برگرفته از نظریه تعدیل^{۲۴} دو نظریه پرداز معروف، واینی و داربلنه (۱۹۷۳)، هستند. این استراتژیها معنا را در سطح واژگان و عبارات کنترل می کنند. استراتژیهای کاربردی انتقال معنا را از زبان مبدأ به زبان مقصد طوری مدیریت می کنند که پیام متن مبدأ قابل فهم برای مخاطبین متن مقصد باشد. استراتژیهای کاربردی چسترمن (۱۹۹۷) با ماکرو استراتژیهای شافنر و ویسمن^{۲۵} (۲۰۰۱)، استراتژیهای کاربردی و استراتژیهای استنادی کریستوفر نورد^{۲۶} (۲۰۰۵) و هنجارهای اولیه توری (۱۹۹۵) قابل قیاس هستند. چسترمن ده نوع استراتژی کاربردی ذیل را معرفی می کند (۱۹۹۷: ۱۰۱-۱۰۷):

۱. **فیلتر فرهنگی**^{۲۷}: با بکارگیری این استراتژی، مترجم، متن مبدأ را مناسب اوضاع و شرایط فرهنگی مخاطبین زبان مقصد می کند. این استراتژی به خصوص برای ترجمه اصطلاحات و واژههایی که مختص یک فرهنگ خاص هستند کارایی دارد. استراتژیهایی که متن ترجمه شده را مطابق فرهنگ زبان مقصد می کنند عبارتند از: *naturalization*, *adaptation* و *domestication*. استراتژیهایی که متن ترجمه شده را از فرهنگ زبان مقصد دور می کنند عبارتند از: *estrangement* و *exoticization*, *foreignization*.

۲. آشکار سازی / پنهان سازی^{۲۸}: با به‌کارگیری این استراتژی، مترجم مطلبی را که به‌طور غیرمستقیم و ضمنی در متن مبدأ بیان شده، کاملاً واضح در متن ترجمه شده بیان می‌کند (آشکار سازی) و بالعکس، مطلبی که کاملاً واضح در متن مبدأ بیان شده، به‌طور غیر مستقیم در متن ترجمه شده بیان می‌شود؛ چرا که معنای موردنظر از بافت متن و پیرامون متن قابل استنباط است (پنهان سازی).

۳. میزان ارائه اطلاعات^{۲۹}: که شامل تکنیک‌های "حذف" و "اضافه" است. با استفاده از تکنیک "حذف"، مترجم اطلاعاتی را که در متن مبدأ بوده، از ترجمه خود حذف می‌کند. اطلاعات حذف شده قابل استنباط از متن مقصد نیستند و از دیدگاه مترجم اطلاعاتی غیر ضروری یا نامناسب تشخیص داده شده‌اند. با استفاده از تکنیک دیگر، یعنی "اضافه"، مترجم اطلاعاتی را به متن ترجمه شده می‌افزاید که در متن مبدأ وجود نداشته است. این اطلاعات قابل استنباط از متن مبدأ نیستند ولیکن به خوانندگان متن مقصد کمک می‌کنند تا پیام و معنای متن ترجمه شده را بهتر درک کنند.

۴. درجه رسمی بودن متن^{۳۰}: این استراتژی فاکتورهایی را شامل می‌شود که میزان صمیمیت بین نویسنده و خواننده را تعیین می‌کند. با تغییر این فاکتورها در متن ترجمه می‌توان میزان رسمی بودن متن را تغییر داد. از جمله این فاکتورها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: انتخاب لغات، سبک و سیاق کلی متن، میزان احساسی بودن متن، و نحوه مخاطب قرار دادن خواننده.

۵. تغییر نوع جمله^{۳۱}: با این استراتژی مترجم نوع جمله را تغییر می‌دهد. مثلاً سوال را تبدیل به جمله می‌کند یا نقل قول مستقیم را تبدیل به نقل قول غیرمستقیم می‌کند.

۶. ارتباط درون متنی^{۳۲}: با این استراتژی، مترجم چیدمان جملات یک پاراگراف یا چیدمان پاراگراف‌های یک متن را تغییر می‌دهد.

۷. **ترجمه ناکامل**^{۳۳}: با بکارگیری این استراتژی مترجم متن را به طور کامل ترجمه نمی کند. مثلاً خلاصه ای از متن اصلی را ترجمه می کند، یا فقط نکات مهم را ترجمه می کند یا فرضاً فقط مکالمات را ترجمه می کند.

۸. **حضور در متن**^{۳۴}: بعضی از نویسندگان حضور پررنگی در متن دارند. ولیکن مترجم می تواند حضور نویسنده را کم رنگ تر یا پررنگ تر کند. و یا اینکه حضور خود را به عنوان مترجم در متن ترجمه پررنگ کند. استراتژی هایی که حضور مترجم را در متن ترجمه پررنگ می کنند، عبارتند از: پاورقی، شرح و توضیح و بطور کلی هر نوع تأویل و تفسیر متنی و فرامتنی.

۹. **ویراستاری در حین ترجمه**^{۳۵}: استتینگ^{۳۶} در سال ۱۹۸۹ این استراتژی را معرفی کرد. این استراتژی زمانی به کار میرود که متن اصلی خیلی بد نوشته شده و مترجم مجبور می شود در حین ترجمه متن اصلی را بازنویسی کرده و یا ویراستاری کند.

۱۰. **اقتباس و یا دیگر تغییرات عملی**^{۳۷}: این استراتژی شامل هر تغییری است که در سطح متن صورت گیرد و پیام متن مبدأ را مطابق کند با فرهنگ و محیط متن مقصد. این تغییرات شامل تغییر ساختار کلی متن، تغییر گویش متن و دیگر موارد مشابه است.

تحقیق پیش رو، قصد دارد با استفاده از استراتژی های کاربردی چسترمن که دسته بندی آنها در بالا ذکر شد و همچنین دسته بندی تبدیل زاهدی، تبدیل های به وجود آمده در جریان ترجمه آیه های علمی قرآن توسط چهار مترجم انتخاب شده را شناسایی و شمارش کند تا بتواند با استفاده از تعداد تبدیل ها تعیین کند که کدامیک از ترجمه ها به سمت مقبولیت و کدامیک به سمت بسندگی تمایل بیشتری دارند به عبارت دیگر هرچه تعداد تبدیل ها بیشتر باشد، ترجمه به زبان مقصد و مقبولیت نزدیک تر است و هرچه تعداد آنها کمتر باشد ترجمه به متن مبدأ یا بسندگی تمایل بیشتری دارد.

به دو دلیل در این تحقیق تنها استراتژی های کاربردی چسترمن برای تعیین نوع و تعداد تبدیل ها به کار رفته اند.

اولین دلیل اینکه، استراتژیهای کاربردی چسترمن کاملاً با هنجارهای اولیه توری همخوانی و همسویی دارند. هنجارهای اولیه توری اساس نظری تحقیق حاضر است.

دومین دلیل، در بسیاری از موارد مبحث علمی آیه با بررسی معنایی و یا دستوری مشخص نمی‌شود، بلکه مضمون علمی اشاره شده در آیه در سطح فرامتن (کاربردی) آیه است. همچنین تحقیق پیش رو محدود می‌شود به هشت استراتژی کاربردی چسترمن. استراتژی شماره ۹ و ۱۰ حذف شده‌اند؛ چراکه ویراستاری و اقتباس متن مقدسی که از جانب پروردگار عالمیان نازل شده امری غیر منطقی است.

۳-۲-۲- تبدیل در ترجمه: دسته بندی زاهدی

زاهدی (۲۰۱۳) یک دسته بندی نسبتاً جامع برای تبدیل‌های مورد استفاده در ترجمه ارائه کرده است. دسته بندی زاهدی خود تلفیقی است از مدل‌های تبدیل کتفورد، وینی و داربلنه، و دلیز^{۳۸}. زاهدی، خود، دو استراتژی دیگر به مدل‌های تبدیل مذکور افزود و نهایتاً استراتژیهای ذیل را معرفی کرد:

۱. **اضافه**^{۳۹}: افزودن مطلب، مطالب یا مواردی به متن ترجمه که اساساً در متن اصلی وجود نداشته است.

۲. **حذف**^{۴۰}: حذف کردن بی دلیل مطلب، مطالب یا مواردی از متن ترجمه که در متن اصلی وجود داشته است.

۳. **تغییر دیدگاه**^{۴۱}: تغییر زاویه دید متن است و به حوزه‌های شناختی ارتباط پیدا می‌کند.

۴. **تغییر نوع کلمه**^{۴۲}: طبق این استراتژی مترجم مجاز است که در فرایند ترجمه نوع کلمه را تغییر دهد. مثلاً اسم را به صورت فعل ترجمه کند یا به جای صفت در ترجمه خود از قید استفاده کند.

۵. **بسط**^{۴۳}: این استراتژی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مترجم مجبور شود مفهومی را که با یک کلمه در زبان مبدأ بیان شده با استفاده از کلمات بیشتری در زبان مقصد توضیح دهد.

۶. **قبض**^{۴۴}: به این معنی است که مترجم مفاهیم بیان شده در زبان مبدأ را با استفاده از لغات کمتری به زبان مقصد بیان کند.

۷. **آشکارسازی**^{۴۵}: یعنی اطلاعاتی را که بطور ضمنی و غیرمستقیم در متن مبدأ بیان شده، مترجم بطور واضح در متن مقصد بیان کند.

۸. **ضمنی‌گویی**^{۴۶}: یعنی اطلاعاتی را که بطور واضح در متن مبدأ بیان شده، مترجم بطور ضمنی و غیرمستقیم در متن مقصد بیان کند.

۹. **تعمیم دادن**^{۴۷}: یعنی در ترجمه یک واژه خاص از یک واژه کلی استفاده شود. فرضاً در ترجمه بلدرچین نوشته شود نوعی پرند. این استراتژی شبیه استراتژی هایپرنیمی^{۴۸} چسترمن است.

۱۰. **خاص ترجمه کردن**^{۴۹}: یعنی ترجمه یک واژه کلی و عمومی با مصداق‌هایی از آن واژه. مثل استفاده از واژه مداد و تراش بجای استفاده از واژه کلی لوازم التحریر.

۱۱. **وارونگی**^{۵۰}: تغییر مکان یک لغت یا یک عبارت. این جابجایی به این منظور صورت می‌گیرد تا متن ترجمه شده طبیعی به نظر برسد.

۱۲. **تغییر "سطح زبانی"**^{۵۱}: در حوزه مطالعات ترجمه، "سطح زبانی" به معنی سلسله مراتب موجود بین واحدهای زبانی یعنی جمله، عبارت، گروه، کلمه و واژک است. تغییر "سطح زبانی" زمانی اتفاق می‌افتد که "سطح" واحد زبانی ترجمه شده در متن مقصد با "سطح" واحد زبانی معادل در متن مبدأ متفاوت باشد.

۱۳. **جایگزینی**^{۵۲}: یعنی عبارت یا واژه‌ای در زبان مبدأ به عبارت یا واژه‌ای دیگر ترجمه می‌شود که معنایی کاملاً متفاوت دارد.

۱۴. **تغییر زمان**^{۵۳}: یعنی مترجم زمان جمله را تغییر می‌دهد.

۱۵. تغییر مفرد و جمع^{۵۴}: به معنی ترجمه یک کلمه مفرد به جمع یا ترجمه یک کلمه جمع به مفرد است.

۴- روش تحقیق

داده‌های مورد نیاز برای تحقیق حاضر طی مراحل زیر گردآوری شدند:

۱. گام نخست گردآوری آیات علمی بود. به این منظور مقالاتی که راجع به جنبه‌های علمی قرآن نوشته شده مورد مطالعه قرار گرفت و آیاتی که مورد تأیید محققین بیشتری بود انتخاب شدند. به منظور افزایش صحت داده‌ها و اطمینان از درستی اطلاعات گردآوری شده، جنبه علمی آیات منتخب در چهار تفسیر معتبر دنیای اسلام نیز بررسی شد. اگر جنبه علمی آیه منتخب در دو تفسیر از چهار تفسیر فوق مورد تأیید قرار گرفته بود، آیه جهت تحقیق انتخاب میشد و در غیر اینصورت رد میشد. این چهار تفسیر عبارتند از: المیزان، نمونه، نور و مجمع البیان.

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی تبریزی (ره) کتاب المیزان فی تفسیرالقرآن را در ۲۰ جلد و در طی مدت ۲۰ سال (۱۳۷۲-۱۳۹۲) به نگارش درآوردند. این تفسیر که یکی از بهترین و جامع‌ترین تفاسیر طول تاریخ تشیع لقب گرفته است، بابت نو در قرآن پژوهی گشوده، مکتبی نو بنا نهاده و الگویی شده برای برخی تفاسیر پس از خود.

تفسیر المیزان برای تفسیر یک آیه از آیات دیگر قرآن استفاده می‌کند و چنین روش تفسیری (تفسیر آیات به آیات) یکی از ویژگیهای منحصر به فرد این "سند عقائد اسلام و شیعه" (طهرانی، ۱۳۹۲: ۴۳) می‌باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این کتاب آن است که علامه طباطبائی در این تفسیر، به اعراب، معانی لغات، ریشه‌یابی لغات، جابجایی‌ها و حذف‌ها اشاره می‌کنند.

تفسیر مجمع البیان به قلم ادبی فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸) یکی از تفاسیر پر قدمت در عالم اسلام است. از ویژگی‌های بارز این تفسیر احاطه بر آرای مفسران گذشته است.

تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیات از نظم منحصراً به فرد بهره می‌جوید. مفسر ابتدا قرائت‌های مختلف آیه را بیان می‌کند، سپس لغات را توضیح داده، اعراب را بیان می‌نماید. در گام بعدی معنی و مفهوم آیات را توضیح می‌دهد و نهایتاً به شأن نزول آیات و داستان‌های منقول در باب آیات می‌پردازد. این نظم خاص موجب شده که دانشمندان شیعه و سنی تفسیر مجمع البیان را بر بسیاری تفاسیر دیگر برتری دهند (شایسته‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۴۲).

تفسیر نمونه حاصل تلاش آیت الله مکارم شیرازی و گروهی از دانشمندان است (محمد رضا آشتیانی، محمد جعفر امامی، عبدالرسول حسنی، سید حسن شجاعی، محسن قرائتی، محمد محمدی اشتهاردی، شهید سید نورالله طباطبائی نژاد و محمود عبداللهی). این تفسیر در ۲۷ جلد طی مدت ۱۵ سال (۱۳۹۶-۱۴۱۰) تألیف گشته. از ویژگی‌های بارز این تفسیر توجه به نیازها و مسائل روز است و توجه به این نکته که آیات قرآن معنای وسیعی دارند و با گذشت زمان ممکن است "مصادق‌های تازه‌ای پیدا کنند" (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ج ۱: ۹۷). روش این تفسیر روشی اجتهادی-تحلیلی و عقلی با نگاهی به مسائل علمی روز است. تفسیر نمونه سعی کرده با نقل روایات اهل بیت علیهم السلام آیات قرآن را هرچه بهتر تبیین نماید. بخش «نکته‌ها» که در ذیل هر تفسیر آمده -و عناوین متعدد و مباحث موضوعی مختلفی را مطرح می‌کند- برای انتخاب بعضی آیات تحقیق پیش رو مورد مطالعه دقیق قرار گرفت.

تفسیر نور از محسن قرائتی در ۱۲ جلد برای اولین بار در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید. این تفسیر ارزشمند در سال ۱۳۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. تفسیر نور پس از ترجمه هر آیه به زبان ساده و روان، نکات و پیام‌های آیه را با استفاده

از تفاسیر مختلف شیعه و سنی بیان می‌کند. در اصل ویژگی بارز تفسیر نور بیان پیام‌ها و نکات خاص آیات است. ویژگی دیگر استفاده از آیات دیگر و روایات اهل بیت برای تفسیر و در نتیجه اجتناب از تفسیر به رأی است.

تفاسیر ارزشمند موجود در دنیای اسلام بی‌شمارند ولیکن محدودیت‌های تحقیق امکان استفاده از تمامی منابع را نمی‌دهد و به ناچار باید به چند منبع بسنده کرد. پس از بررسی تفاسیر موجود و بهره‌گیری از نظریات دو متخصص علوم قرآنی نویسندگان مقاله بر آن شدند که چهار تفسیر فوق را برگزینند؛ چرا که تفاسیر انتخابی در کنار یکدیگر خصوصیتی تکمیلی داشته و راهنمای نسبتاً جامعی برای انتخاب آیات علمی بوجود می‌آورند.

فرایند انتخاب آیات علمی مناسب، یکی از سخت‌ترین مراحل این تحقیق بود که زمان بسیار زیادی گرفت؛ چرا که در موارد زیادی مقالات تحقیقی در مورد جنبه علمی آیات اغراق کرده‌اند در حالیکه تفاسیر معتبر، به کلی جنبه علمی آیه را رد می‌کنند. دشواری دیگر تحقیق در این بود که اشارات علمی آیات را به راحتی نمی‌توان ترجمه کرد و در بسیاری موارد توضیحات مفصلی مورد نیاز است. در نهایت ۲۰ آیه از قرآن کریم که علمی بودن آن‌ها تأیید شده و در ترجمه قابل انتقال بود برای بررسی انتخاب شدند. این آیات شامل: سوره یس آیات ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ * سوره لقمان: ۱۰ * قاف: ۷ * طه: ۵۳ * یونس: ۳ * فصلت: ۱۱ و ۱۲ * الرحمن: ۵ و ۱۹ و ۲۰ * نوح: ۱۶ * حجر: ۲۲ * شوری: ۲۹ * نبا: ۷ * طلاق: ۱۲ * ابراهیم: ۳۳ * ذاریات: ۴۷ می‌شوند.

۲. گام بعدی، استخراج و مقایسه ترجمه انگلیسی آیات علمی منتخب در چهار ترجمه: عبدالله یوسف علی (۱۹۴۶)، آرتر جان آربری (۱۹۵۵)، تامس ایروینگ (۱۹۸۵) و طاهره صفارزاده (۲۰۰۱) بود. در ذیل هر آیه، چهار ترجمه انگلیسی نوشته شد و آیه از لحاظ معنایی مورد ارزیابی قرار گرفت تا مشخص شود که مفهوم علمی را به زبان مقصد انتقال داده است یا خیر. پس از ارزیابی معنایی، آیه از دیدگاه نظری مورد ارزیابی قرار گرفت و بر

اساس دیدگاه تلفیقی - تکمیلی ارائه شده در این تحقیق، تعداد تبدیل های موجود در هر آیه تشخیص داده شدند.

"ارزیابی معنایی" طی دو مرحله زیر صورت گرفت:

۱. بر اساس توضیحات ارائه شده در چهار تفسیر فوق الذکر، مضمون علمی آیه توضیح داده شد. تفاسیر مورد استفاده عبارت بودند از *المیزان* علامه طباطبائی، تفسیر نمونه مکارم شیرازی، تفسیر نور محسن قرائی و مجمع البیان شیخ طبرسی. لازم به ذکر است که هرچند تفاسیر فوق الذکر منابع اصلی بررسی مقابله ای بودند، ولیکن در مراحل مختلف تحقیق از بسیاری تفاسیر دیگر نیز استفاده شد.

۲. سپس، چهار ترجمه انگلیسی مورد مقایسه قرار گرفتند تا مشخص شود از بعد معنایی کدام ترجمه ها سعی در انتقال مضمون علمی داشته است.

"ارزیابی نظری" بر اساس دیدگاه تلفیقی - تکمیلی ارائه شده در این تحقیق و به منظور تشخیص تعداد تبدیل های موجود در هر آیه، نیز در دو مرحله صورت گرفت:

۱. چهار ترجمه انگلیسی منتخب بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفتند تا تمامی تبدیل های به کار رفته در ترجمه مورد شناسایی قرار گیرند. تبدیل ها بر اساس دسته بندی ارائه شده مورد شناسایی قرار گرفتند. علت به کارگیری مدل مذکور حصول اطمینان از پوشش تقریباً تمام انواع تبدیل بود. در ذیل هر آیه جدولی کشیده شد که تبدیل های بکار گرفته شده در هر آیه را دسته بندی کرد. در صورت عدم وجود تبدیل، ترجمه "بسند" تلقی شد.

۲. تمامی تبدیل های بکار رفته در ترجمه یک آیه شمارش شدند و تعداد کل تبدیل ها در ستون آخر جدول نوشته شدند. ترجمه هایی که تعداد بیشتری تبدیل داشتند "مقبول تر" و ترجمه هایی که تعداد کمتری تبدیل داشتند "بسند تر" تلقی شدند. (در پایان دو فردی که خود مترجم بودند نتایج تحقیق را بررسی کردند تا ضریب اطمینان از درستی داده ها بالاتر رود).

در مرحله آخر داده‌ها باید مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفتند تا مشخص شود آیا ارتباطی بین ترجمه توضیحی / ترجمه غیرتوضیحی (توری، ۱۹۹۵: ۵۷) و انتقال دقیق‌تر مضمون علمی آیه وجود دارد یا خیر.

بدین منظور درصد کل آیاتی که هریک از مترجمان مفهوم علمی آن‌ها را به زبان مقصد منتقل کرده بودند محاسبه شد. سپس ترجمه‌های تفسیر-گرا و غیر تفسیر-گرا در این مورد باهم مقایسه شدند تا مشخص شود که آیا لزوماً ترجمه‌های تفسیر-گرا در درصد بیشتری از آیات مفهوم علمی را منتقل کرده‌اند یا خیر.

۵- داده‌ها

۵-۱- مصداق

به دلیل محدودیت در تعداد کلمات، در ذیل تنها بررسی انجام شده بر روی یک آیه ارائه می‌شود. بررسی‌های انجام شده بر روی ۲۰ آیه شریفه در ضمیمه آمده‌اند.

﴿شُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یس / ۳۶)

یوسف علی:

Glory to Allah, Who created in pairs all things that the earth produces, as well as their own [human] kind and [other] things of which they have no knowledge.

آبری:

Glory be to Him, who created all the pairs of what the earth produces, and of themselves, and of what they know not.

ایروینگ:

Glory be to the One Who has created every kind of species such as the earth grows, their own kind, and even some things they do not know

صفارزاده:

The Absolute Pure is Allah who[is himself the One and the Single, but pairs all things that the earth produces as well as people He] Created in themselves and other things which is not known to mankind yet;

۵-۲- بررسی معنایی آیه شریفه

طبق گفته آیت الله مکارم شیرازی (۱۸:۴۰۰) و آیت الله طباطبایی (۱۷: ۱۳۰) این آیه صراحتاً به آفرینش مخلوقات بصورت جفت اشاره می‌کند. انسان‌ها، نباتات، حیوانات و بسیاری گونه‌های دیگر بصورت جفت آفریده شده‌اند. و این حقیقتی علمی است که در زمان نزول قرآن هنوز کشف نشده بود.

در ترجمه آیه همه مترجمان به جز ایروینگ از عبارت what or that earth produce استفاده کرده‌اند اما ایروینگ از عبارت "the earth grows" استفاده کرده است. ایروینگ در ترجمه خود به جفت بودن تمامی مخلوقات خداوند اشاره‌ای نمی‌کند و استفاده وی از فعلی که مختص گیاهان و انسان‌هاست نشان می‌دهد که وی لغت ازواج را به معنای همه انواع تلقی کرده و نه به معنای جفت. صفارزاده و یوسف علی بطور دقیق و واضح به جفت بودن همه مخلوقات الهی اشاره می‌کنند.

۵-۳- بررسی آیه شریفه در چهارچوب نظری تحقیق

در این بخش تبدیل‌های بکار گرفته شده در آیات بررسی می‌شوند.

یوسف علی

۱. در ترجمه لغت "سبحان" از عبارت "glory to Allah" استفاده می‌کند. به این معنی که در ترجمه یک لغت از سه لغت استفاده کرده است. و این یعنی تبدیل "بسط".
۲. یوسف علی در ترجمه لغت "الذی" لغت Allah را به کار برده تا معنای جمله را برای مخاطب واضح کند. در تئوری چسترمن این تبدیل "آشکارسازی/پنهان سازی" و در تئوری مولینا و البیر تبدیل "واضح گویی" است.

۳. یوسف علی با استفاده از عبارت "created in pair all the things" به هر دو معنی "ازواج" اشاره می‌کند. یعنی در ترجمه خود بطور مبسوط و واضح هم به "آفرینش مخلوقات بصورت جفت" اشاره می‌کند و هم به "همه انواع مخلوقات". این نوع تغییر نسیت به زبان مبدأ تبدیل تلقی می‌شود چراکه یک مفهوم تک‌کلمه‌ای در زبان مبدأ با چند کلمه در زبان مقصد بیان شده.

آربری

آربری در ترجمه لغت "سبحان" از تبدیل "بسط" استفاده کرده چرا که در ترجمه یک واژه از چندین واژه استفاده کرده است: "glory be to him".

ایروینگ

۱. ایروینگ هم از تبدیل "بسط" استفاده کرده چرا که در ترجمه "سبحان" عبارت طولانی‌تر "glory be to the one" را آورده است.
۲. در ترجمه لغت "خلق" از تبدیل "تغییر زمان" استفاده کرده چراکه زمان "گذشته" جمله را بصورت زمان حال کامل ترجمه کرده است.
۳. ایروینگ برای ترجمه آیه قبل از کلمه Earth، حرف such as می‌آورد که ضرورتی نداشته و می‌توانست از کلمه کوتاه‌تری استفاده کند. اضافه کردن این لغت تبدیل "اضافه" محسوب می‌شود یا "تبدیل میزان ارا ئه اطلاعات".
۴. ایروینگ در ترجمه لغت "تنبت" از فعل grow استفاده می‌کند تا معنای ضمنی لغت که به گیاهان اشاره دارد را بطور واضح در ترجمه بیان کند.

صفارزاده

۱. صفارزاده در ترجمه لغت "سبحان" از عبارت طولانی‌تر "the Absolute Pure is" استفاده می‌کند. (استفاده از تبدیل "بسط")

بررسی میزان بسندگی و مقبولیت ترجمه مضامین علمی آیات قرآن کریم ... راضیه اسلامی و مرضیه مختاری

۲. صفارزاده نیز همچون یوسف علی در ترجمه ضمیر "الذی" از مرجع ضمیر استفاده می‌کند تا معنا را برای مخاطب آشکار کند. (تبدیل "آشکارسازی/پنهان سازی" یا "واضح گویی")

۳. صفارزاده همچنین اطلاعاتی را به ترجمه خود می‌افزاید:

[is himself the One and the Single, but He]

با افزودن این اطلاعات وی از تبدیل "اضافه" یا "حضور در متن" استفاده کرده است.

۴. صفارزاده نیز مانند یوسف علی در ترجمه خود به هر دو معنی لغت "ازواج" اشاره کرده است. (تبدیل بسط)

جدول ۵-۱- انواع تبدیل‌های به‌کار گرفته شده توسط هر مترجم در ترجمه آیه ۳۶ سوره یس

صفارزاده	ایروینگ	آربری	یوسف علی	مترجم
۱. بسط ۲. "آشکارسازی/ پنهان سازی" "واضح گویی" ۳. "اضافه" یا "حضور در متن" ۴. بسط	۱. بسط ۲. تغییر زمان ۳. اضافه یا تغییر میزان ارایه اطلاعات ۴. "آشکارسازی/پنهان سازی" "واضح گویی"	بسط	۱. بسط ۲. "آشکارسازی/ پنهان سازی" "واضح گویی" ۳. بسط	نوع تبدیل
۴	۴	۱	۳	جمع کل

۶- نتایج آماری و بحث و بررسی

نتایج آماری تحقیق در دو حوزه تحلیل معنایی و تحلیل در چارچوب نظری تحقیق در ادامه شرح داده خواهد شد.

۱-۶- نتایج آماری تحلیل معنایی داده‌ها

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، هریک از آیه‌های انتخابی در دو حوزه معنایی و نظری مورد بررسی قرار گرفتند. در تحلیل معنایی، ترجمه‌ها به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند تا مشخص شود که مفهوم علمی آیه را به زبان مقصد انتقال داده‌اند یا خیر. پس از بررسی ترجمه‌های همه آیات، تعداد کل آیاتی که هر مترجم سعی کرده مفهوم علمی آن را در ترجمه خود بیاورد جمع شد و مشخص شد هر مترجم در چند درصد آیات مفهوم علمی را به زبان مقصد انتقال داده است. جدول ذیل خلاصه آماری تحلیل معنایی ترجمه‌هاست.

جدول ۱-۶- تعداد کل و درصد آیاتی که مضمون علمی شان ترجمه شده است.

صفرزاد ه	ایروینگ	آربری	یوسف علی	مترجم
۱۵	۱۰	۴	۱۲	تعداد آیات از ۲۰ آیه
٪۷۵	٪۵۰	٪۲۰	٪۶۰	درصد

طبق بررسی آماری انجام شده، صفرزاده مضمون علمی ۱۵ آیه از ۲۰ آیه انتخابی را ترجمه کرده که معادل ٪۷۵ کل آیات است. از لحاظ انتقال مفهوم علمی ترجمه صفرزاده مقام نخست را در بین چهار مترجم دارد. یوسف علی با ترجمه مضمون علمی ۱۲ آیه (معادل ٪۶۰ کل آیات)، ایروینگ با ترجمه مضمون علمی ۱۰ آیه (معادل ٪۵۰ کل آیات) و آربری با ترجمه مضمون علمی ۴ آیه (معادل ٪۲۰ کل آیات) به ترتیب مقام دوم، سوم و چهارم را دارند.

همانطور که مشاهده می‌شود ایروینگ نیز با وجود آن‌که ترجمه‌ای غیرتفسیری دارد در انتقال مفهوم علمی آیات فاصله زیادی با یوسف علی که دارای ترجمه‌ای تفسیری است

ندارد. لازم است تحلیل معنایی و میزان انتقال مفهوم علمی در تعداد بیشتری از آیات بررسی شود تا بتوان به نتیجه محکم‌تری رسید اما اگر نتایج تغییر قابل ملاحظه‌ای نکنند، می‌توان نتیجه گرفت که لزوماً نمیتوان گفت که ترجمه‌های تفسیری به گونه‌ای معنادار بیشتر از ترجمه‌های غیر تفسیری مفهوم علمی را منتقل می‌کند و صرفاً ارائه توضیحات زیاد دلیل بر انتقال بهتر مفهوم نیست.

۲-۶- نتایج بررسی آماری داده‌ها در چهارچوب نظری تحقیق

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد تحقیق حاضر، به منظور در برگشتن و پوشش دهی تقریباً تمام انواع تبدیل، از یک مدل تلفیقی-تکمیلی پیشنهادی تبدیل در ترجمه استفاده می‌کند که اساس آن تلفیق و ترکیب مدل چسترمن و زاهدی است. دسته بندی زاهدی خود مدلی ترکیبی-تلفیقی است و ۱۵ نوع تبدیل را در بر می‌گیرد. مدل چسترمن شامل ۱۰ استراتژی کاربردی است. جدول ۶-۲- پراکندگی تبدیل در ترجمه را بر اساس دسته بندی زاهدی (۲۰۱۳) ارائه می‌دهد.

جدول ۶-۲- پراکندگی انواع تبدیل در مترجمان طبق دسته بندی زاهدی

تعداد کل	صفارزاده	ایروینگ	آربری	یوسف علی	نام تبدیل
۲۷	۱۳	۳	۳	۸	۱. اضافه
۱۶	۲	۹	۱	۴	۲. حذف
۰	-	-	-	-	۳. تغییر دیدگاه
۳	-	۲	-	۱	۴. تغییر نوع کلمه
۵۳	۱۷	۷	۱۱	۱۸	۵. بسط
۰	-	-	-	-	۶. قبض
۳۸	۱۹	۱۱	۱	۷	۷. آشکارسازی
۰	-	-	-	-	۸. ضمنی گویی
۰	-	-	-	۱	۹. تعمیم دادن
۴	۲	-	-	۲	۱۰. خاص ترجمه کردن

۱۱. وارونگی	۵	۲	۷	۲	۱۶
۱۲. تغییر سطح زبانی	۲	۱	۱	۱	۵
۱۳. تغییر زمان	۷	۲	۱۰	۲	۲۱
۱۴. تغییر مفرد و جمع	-	-	-	-	۰
۱۵. جایگزینی	۳	۰	۴	۴	۱۱
مجموع تبدیل‌های بکار رفته در ترجمه	۵۸	۲۱	۵۳	۶۲	۱۹۴

طبق داده‌های آماری جدول، از لحاظ تعداد تبدیل در ترجمه، صفار زاده بیشترین تعداد تبدیل را داشته و یوسف علی، ایروینگ و آربری به ترتیب مقام‌های دوم، سوم و چهارم را دارند. نکته قابل توجه دیگر آن است که صفار زاده "آشکارسازی" و یوسف علی "بسط" را بیش از انواع دیگر تبدیل در ترجمه‌های خود استفاده کرده‌اند. در مجموع، "آشکارسازی" و "بسط" در هر چهار مترجم بیشترین کاربرد را داشته. "تغییر دیدگاه"، "قبض"، "تغییر مفرد و جمع" و "ضمنی گویی" تبدیل‌هایی هستند که در هیچ یک از ترجمه‌ها مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها بر طبق مدل چسترمن (۱۹۹۷) نیز تقریباً مشابه نتایج فوق بود:

جدول ۶-۳- پراکندگی انواع تبدیل در چهار مترجم منتخب طبق مدل چسترمن

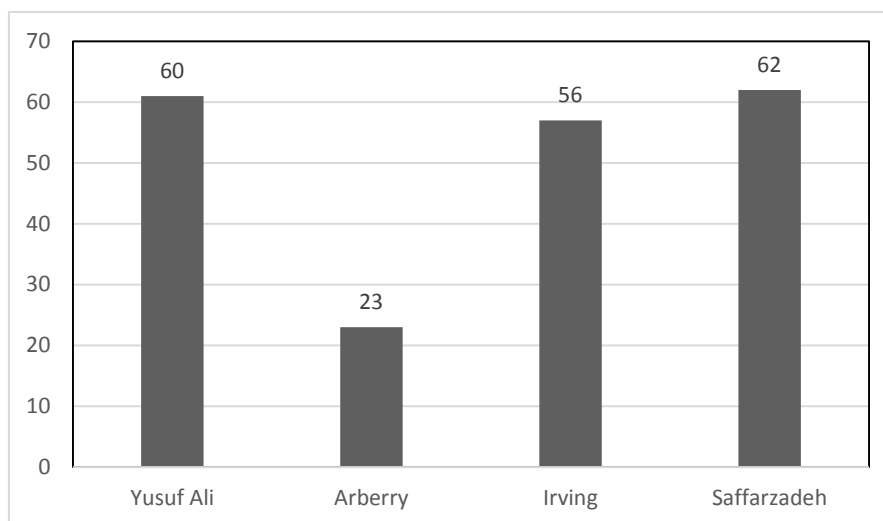
تعداد کل	صفارزاده	ایروینگ	آربری	یوسف علی	نام تبدیل
۷	۰	۳	۲	۲	۱. فیلتر فرهنگی
۳۲	۱۷	۸	۱	۶	۲. آشکار سازی / پنهان سازی
۳۵	۱۴	۱۱	۴	۶	۳. میزان ارائه اطلاعات
۰	-	-	-	-	۴. درجه رسمی بودن متن
۰	-	-	-	-	۵. تغییر نوع جمله
۱۶	۲	۷	۲	۵	۶. ارتباط درون متنی

۰	-	-	-	-	۷. ترجمه ناکامل
۱۷	۵	۴	-	۸	۸. حضور در متن
۱۰۹	۳۸	۳۳	۱۱	۲۷	مجموع تبدیل‌ها بکار رفته در ترجمه

طبق داده‌های آماری جدول، از لحاظ فراوانی تبدیل، صفارزاده مقام نخست را داشته و یوسف علی، ایروینگ و آربری به ترتیب مقام‌های دوم، سوم و چهارم را دارند. "آشکار سازی/پنهان سازی" و "میزان ارائه اطلاعات" پرکاربردترین انواع تبدیل بوده‌اند. به منظور ارائه دیدگاهی جامع و کلی جدول ذیل بطور خلاصه مجموع تبدیل‌های هر مترجم را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۴- تعداد تبدیل‌های به کارگرفته شده در هر ترجمه و تعداد کل تبدیل‌ها

مجموع تبدیل‌ها	صفارزاده	ایروینگ	آربری	یوسف علی	نام مترجم
۲۰۱	۶۲	۵۶	۲۳	۶۰	تعداد کل تبدیل‌های استفاده شده



طبق محاسبات آماری ارائه شده در جداول و نمودار فوق، بیشترین تعداد تبدیل در ترجمه‌های صفارزاده و یوسف علی و کمترین تعداد تبدیل در ترجمه آربری وجود دارد. از آنجا که اختلاف تعداد تبدیل‌های صفارزاده و آربری کاملاً قابل توجه است (۳۹)، می‌توان با اطمینان ادعا کرد که در قیاس، ترجمه صفارزاده ترجمه‌ای نسبتاً مقبول و ترجمه آربری ترجمه‌ای نسبتاً بسنده است.

۳-۶- مقایسه یافته‌ها

هدف از تحقیق پیش رو دسته‌بندی چهار ترجمه انگلیسی قرآن کریم (صفارزاده، یوسف علی، ایروینگ و آربری) به دو دسته بسنده و مقبول بود. این دسته‌بندی طبق تئوری هنجارهای اولیه توری (۱۹۹۵) صورت گرفت. منظور از دسته‌بندی مذکور پیدا کردن ارتباط احتمالی بین ترجمه بسنده/مقبول و ترجمه توضیحی/غیر توضیحی در ترجمه انگلیسی آیات علمی بود. طبق نتایج حاصله، صفارزاده و یوسف علی مضمون علمی تعداد آیات بیشتری را به زبان مقصد منتقل کرده‌اند. از نظر تعداد تبدیل‌های کاربردی در ترجمه صفارزاده، یوسف علی و ایروینگ، به ترتیب، بیشترین تعداد تبدیل را در ترجمه‌های خود دارند و بنابراین ترجمه آن‌ها در دسته ترجمه‌های نسبتاً مقبول قرار می‌گیرد. ترجمه آربری که کمترین تعداد تبدیل را دارد در دسته ترجمه‌های نسبتاً بسنده قرار می‌گیرد. از نتایج به دست آمده اینطور استنباط می‌شود که درصد انتقال مضمون علمی در ترجمه‌های نسبتاً مقبول بالاتر است.

نتایج حاصل از تحقیق حیدری نیا (۲۰۱۴) یافته‌های این تحقیق را تأیید می‌کنند. از بین ده مترجم منتخب، ایروینگ، یوسف علی و صفارزاده، به ترتیب، بیشترین تعداد تبدیل را در ترجمه‌های خود داشته‌اند و ترجمه آن‌ها متمایل به هنجارهای زبان مقصد است یا اصطلاحاً مقصد-گرا است. آربری کمترین تعداد تبدیل را داشته و ترجمه وی متمایل به هنجارهای زبان مبدأ است یا اصطلاحاً مبدأ-گرا است. در تحقیق حیدری نیا (۲۰۱۴) و نیز در تحقیق حاضر آربری از لحاظ فراوانی تبدیل اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مترجمین

دارد. همچنین در هر دو تحقیق، ایروینگ، یوسف علی و صفارزاده بیشترین تعداد تبدیل را دارند؛ هرچند که در تحقیق حیدری نیا ایروینگ بیشترین تعداد تبدیل را داشته ولی در تحقیق حاضر صفارزاده بیشترین تعداد تبدیل را دارد. این اختلاف میتواند مربوط به فاکتور انتخابی برای ترجمه باشد چرا که حیدری نیا نحوه ترجمه یک صنعت ادبی یعنی "تشبیه" را بررسی کرده، در صورتیکه این تحقیق ترجمه مضامین پنهان علمی آیات را بررسی کرده است.

خالد یحیی بلنکینشیپ (۲۰۱۹) نیز به نتیجه تحقیق حاضر میرسد که به منظور هرچه قابل فهم تر کردن ترجمه برای مخاطبین مترجم می‌بایست تبدیل‌های غیراجباری را تشخیص دهد و در ترجمه اعمال کند. به این معنا که بلنکینشیپ (۲۰۱۹) تأیید می‌کند که در ترجمه آیات قرآنی، ترجمه نسبتاً مقبول بر ترجمه نسبتاً بسنده برتری دارد. یافته‌های تحقیق راعد الجباری (۲۰۱۴) نیز تأیید می‌کنند که برای ترجمه مضامین فرهنگی قرآن کریم، ترجمه مقبول بر ترجمه بسنده ارجح است.

یافته‌های تحقیق حسین عبد الرئوف (۲۰۰۵) نیز تأیید می‌کنند که در فرایند ترجمه قرآن از زبان عربی به زبان انگلیسی، به دلیل فواصل فرهنگی موجود بین دو سیستم زبانی، استفاده از تبدیل‌های فرهنگی اجتناب ناپذیر است. به این ترتیب، یافته‌های تحقیق عبد الرئوف نیز تأیید می‌کنند که در ترجمه مضامین فرهنگی قرآن ترجمه مقبول ارجح است. نویسندگان تحقیق حاضر پس از بررسی‌های فراوان تحقیقی پیدا نکردند که مربوط به تبدیل در ترجمه مضامین علمی آیات قرآن و یا دسته بندی ترجمه‌ها به بسنده/مقبول و توضیحی/غیر توضیحی باشد. اگر تحقیقات مشابه بیشتری وجود داشت، امکان بحث و بررسی یافته‌های این تحقیق در سطح گسترده‌تری مهیا می‌شد و نیز امکان تعمیم دادن یافته‌ها بیشتر فراهم می‌گشت.

۷- نتیجه گیری

تحقیق پیش رو در پی بررسی این سوال بود که آیا ارتباطی بین ترجمه مقبول/بسند و ترجمه توضیحی/غیرتوضیحی و انتقال مضمون علمی آیات قرآن وجود دارد یا خیر. بررسی معنایی چهار ترجمه انگلیسی قرآن کریم مشخص کرد که:

۱. صفارزاده مضمون علمی آیات بیشتری را ترجمه کرده (۱۵ آیه معادل ۷۵٪). یوسف علی (۱۲ آیه معادل ۶۰٪)، ایروینگ (۱۰ آیه معادل ۵۰٪) و آربری (۴ آیه معادل ۲۰٪) به ترتیب مقامهای دوم، سوم و چهارم را دارند.

۲. یافته‌ها به وضوح نشان میدهند که صفارزاده و یوسف علی بالاترین درصد را داشته اند. ایروینگ درصدی میانه و آربری درصدی پایین کسب کرده.

۳. بررسی آیات در چهارچوب نظری مشخص کرد که صفارزاده بیشترین تعداد تبدیل را داشته. صفارزاده با ۶۲ تبدیل معادل ۳۰/۸۴٪، یوسف علی با ۶۰ تبدیل معادل ۲۹/۸۵٪، ایروینگ با ۵۶ تبدیل معادل ۲۷/۸۶٪ و آربری با ۲۳ تبدیل معادل ۱۱/۴۴٪ به ترتیب مقامهای اول، دوم، سوم و چهارم را دارند. بنابراین آربری که کمترین تعداد تبدیل را دارد نزدیک به قطب بسند و سه مترجم دیگر نزدیک به قطب مقبول هستند. در دسته بندی ترجمه‌ها به بسند و مقبول بهتر است گفته شود نسبتاً بسند و یا نسبتاً مقبول چرا که در ترجمه مقبول نیز به هر حال درصدی ترجمه بسند وجود دارد و بالعکس در ترجمه بسند نیز درصدی ترجمه مقبول وجود دارد.

۴. با توجه به بررسیهای معنایی، نظری و آماری که در این تحقیق صورت گرفت اینطور استنباط می‌شود که ترجمه مقبول بهتر از ترجمه بسند مضمون علمی آیات را منتقل می‌کند.

۵. همچنین بررسیهای انجام شده نشان میدهند که ترجمه‌های توضیحی امانتداتر از ترجمه‌های غیر توضیحی هستند. دلیل این امر آن است که توضیح خود ایجاد نوعی تغییر در متن اصلی است و بنابراین یک نوع تبدیل محسوب می‌شود. میتوان به صراحت گفت تبدیل‌هایی که در ترجمه‌های توضیحی اعمال می‌شوند عبارتند از "اضافه کردن" (یا همان

تبدیل "میزان ارائه اطلاعات" در تئوری چسترمن، "توضیح و شفاف سازی" (یا همان "آشکار سازی/پنهان سازی" تئوری چسترمن)، "قبض" (یا استفاده از چندین کلمه در توضیح یک کلمه) و انواع دیگر تبدیل مانند "تبدیل در رنگ". استفاده از چنین تبدیل‌هایی ترجمه را نزدیک می‌کند به قطب مقبولیت و ترجمه مقبول برای ترجمه ارجاعات علمی قرآن مناسب‌تر و بایسته‌تر است.

نکته قابل توجه آن است که یافته‌های این تحقیق تأیید نمی‌کنند که ترجمه‌های غیر توضیحی مضمون علمی را منتقل نمی‌کنند. در اصل چنانچه ترجمه غیر توضیحی نزدیک به قطب مقبولیت باشد مفهوم علمی منتقل می‌شود. ترجمه ایروینگ مثال بارزی از این نوع ترجمه است.

۶. بر خلاف عقیده حاکم بر دنیای مطالعات ترجمه مبنی بر ترجمه لفظ به لفظ متون مذهبی و حداقل استفاده از تبدیل (به منظور کاهش هر نوع دخل و تصرف)، تحقیق حاضر به این نتیجه رسید که از آنجا که مضامین علمی در بسیاری از آیات بطور واضح بیان نشده اند، آیات علمی قرآن کریم می‌بایست با استفاده از تبدیل ترجمه شوند چرا که مترجم می‌بایست بصورت توضیحی متن را ترجمه کند. پیشنهاد می‌شود آیات علمی بصورت مقبول ترجمه شوند تا بسنده.

یافته‌های این تحقیق قابلیت تعمیم یافتن را دارند. از یافته‌های این تحقیق میتوان برای ترجمه انواع دیگر مضامین پنهانی آیات قرآن کریم استفاده کرد. همچنین از یافته‌های این تحقیق میتوان برای ترجمه مضامین پنهانی انواع دیگر متون مانند متون ادبی یا سیاسی استفاده کرد. لازم به ذکر است که یافته‌های فوق در ترجمه متون حقوقی و علمی کاربرد ندارند.

۸- پی‌نوشت‌ها

- 1.Adequacy
- 2.Acceptability
- 3.Explanatory

- 4.Non-explanatory
- 5.Shift
- 6.Blum-Kulka
- 7.Rhetorical questions
- 8.Halliday and Hassan
- 9.Catford
- 10.Norm
- 11.Jiří Levý
- 12.Itamar Even-Zohar
- 13.Gideon Toury
- 14.Initial norms
- 15.Preliminary norms
16. Operational norms
- 17.Vinay and Darbelnet
- 18.Malone
- 19.Van Leuven-Zwart
- 20."Micro level" translation shifts/ "macro level" translation shifts
- 21.Syntactic strategies
- 22.Semantic strategies
- 23.Pragmatic strategies
- 24.Modulation
- 25.Schäffner and Wieseemann's macro-strategies
- 26.Christopher Nord's documentary and instrumental translation strategies
- 27.Cultural filtering
- 28.Explicitness change
- 29.Information change
- 30.Interpersonal change
- 31.Illocutionary change
- 32.Coherence change
- 33.Partial translation
- 34.Visibility change
- 35.Transediting
- 36.Stetting
- 37.Other pragmatic changes
- 38.Delise
- 39.Addition
- 40.ommission
- 41.Modulation
- 42.Transposition
- 43.Dissolution
- 44.Concentration
- 45.Explicitation
- 46.Implicitation
- 47.Generalization
- 48.Hyperonym

- 49.Particularization
- 50.Inversion
- 51.Rank shift
- 52.Substitution
- 53.Shift of tense
- 54.Shift of number

۹- منابع

قرآن کریم

۱. آقایانی چاوشی، اکبر، «روش شناسی تفسیر آیات طبی قرآن»، مجله قرآن و طب، شماره ۴، صص ۱۳۲-۱۳۶، (۱۳۹۱ش).
۲. ابراهیمی، مهدی، فاضل، علیرضا، «نگاهی نو به پدیده جنین شناسی در تفسیر علمی آیات قرآن»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۴۲، صص ۷۵-۹۶، (۱۳۹۱ش).
۳. بیستونی، محمد، تفسیر مجمع البیان جوان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی). جلد ۱-۱۰، قم: بیان جوان، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، (۱۳۹۰ش).
۴. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه (عالم ربانی علامه سیدمحمدحسین طباطبائی تبریزی)، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، (۱۳۹۲ش).
۵. رستمی، محمدحسن، شاهین پور، معصومه، «بررسی لغزش‌های مترجمان در دو آیه مربوط به شکل‌گیری ابر، باران و تگرگ»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۵۳-۷۴، (۱۳۹۴ش).
۶. شاهین پور، معصومه، «بررسی چگونگی ترجمه آیات علمی قرآن کریم در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، مشهد، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۹ش).
۷. شایسته نژاد، علی اکبر، طبرسی و مجمع البیان، ج ۲، تهران: خانه کتاب ایران، (۱۳۹۰ش).
۸. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱-۲۰، قم: دارالعلم، (۱۳۹۳ش).
۹. قرائتی، محسن. تفسیر نور ۱۰، جلدی. جلد ۱-۱۰، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، (۱۳۷۴ش).

۱۰. مروتی، سهراب. «بررسی موضوع ترجمه قرآن کریم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۸۳-۹۸، (۱۳۸۲ش).
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان. تفسیر نمونه. جلد ۱-۲۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۸۷ش).
۱۲. مودب، سیدرضا، «نقد و بررسی ترجمه ناپذیری قرآن»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۶۶، (۱۳۸۶ش).
13. Abdul-Raof, H. Pragmalinguistic forms in cross-cultural communication: contributions from Quran translation. *Intercultural Communication Studies*. 4(14), 115-130. (2005).
14. Arberry, A. J. *The Koran Interpreted, A Translation by A. J. Arberry*. Arthur's Classic Novels. Retrieved from: <http://arthursclassicnovels.com/arthurs>. Jun, 2016. (2003).
15. Catford, J. C. *A linguistic theory of translation*. London: Oxford University Press. (1965).
16. Chesterman, A. *Memes of translation*. Amsterdam and Philadelphia, PA: John Benjamins. (1997).
17. Dukate, A. *Manipulation as a Specific Phenomenon in Translation and Interpreting*. (Doctoral Dissertation). University of Latvia, Latvia. (2007). Retrieved From: <https://dspace.lu.lv/dspace/bitstream/handle/7/4984/6969>. October, 2017.
18. Dkhissi, Y. The English translation of the Quranic text: the structural asymmetries (October 1, 2018). *AWEJ for Translation & Literary Studies*, Volume 2, Number 4. October 2018. (2018). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3276392> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3276392>
19. Even-Zohar, I. *An Introduction to a Theory of Literary Translation*. (Doctoral dissertation). Tel Aviv University, Tel Aviv. (1971).
20. Even-Zohar, I. *Papers in Historical Poetics*. Tel Aviv: The Porter Institute for Poetics and Semiotics. (1978).
21. Farghal, M. Bloushi, Shifts of coherence in Quran translation, Sayyab Translation Journal (STJ), Vol. (4), pp. 1-18, (2012).
22. Hajj Ahmad, Yusuf. *Miracles of the Quran: the facts that can't be denied by science*. Riyadh: Darussalam Publishers. (2010)
23. Heidarinia, V. *An analysis of shifts in English translations of some similes of the Holy Quran*. (MA thesis in translation studies). Allameh Tabatabaei University, Tehran. (2014).
24. Hermans, T. *The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. London/Sydney: Croom Helm. (1985).

25. Holmes, J. S. The name and nature of translation studies. In Lawrence Venuti. *The Translation Studies Reader*. 172-185. London/New York: Routledge. (2004).
26. Irving, T. B. *The Quran: First American Version* (second edition). Tehran: Sohrevardi. (2004).
27. Levy, J. *The art of translation*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins (1963).
28. Martinez-sierra, JJ. Manipulation school. *SKASE Journal of Translation and Interpretation* [online]. 8(1), 26-59. (2015).
29. Medadian, Gh. Non- obligatory shifts in translation: a normative Enterprise. *An international journal of humanities and social sciences*. 2(4), 668-695. (2015).
30. Molina, L. & Albir, A. Translation Techniques Revisited: A Dynamic and Functionalist Approach. *Meta*, 47(4), 498-512. (2002).
31. Munday, J. *Introducing Translation Studies: Theories and applications*. London & New York: Routledge. (2001).
32. Munday, J. *Introducing translation studies: theories and applications*. London & New York: Routledge. (2008).
33. Najjar I.I., Kwee S.B., Abu al-haj T.A. Mode in Arabic-English translation: with reference to the Quran. *Russian Journal of Linguistics*. Vol. 23. N. 2. pp. 509-522. (2019).
- doi: [10.22363/2312-9182-2019-23-2-509-522](https://doi.org/10.22363/2312-9182-2019-23-2-509-522)
34. Nida, E. *Toward a science of translating: with special reference to principles and procedures involved in Bible translation*. E.J. Brill, Leiden: Netherlands. (1964).
35. Raisi, M. R. *Quran and modern science, studying and comparing English translations of some related verses*. (MA thesis in translation studies). Allameh Tabatabaei University, Tehran. (2017).
36. Rezvani, R and Nooraei, P. A comparative study of shifts in English translations of the Quran: a case study on “Yusuf” chapter. *Khazar Journal of Humanities and Social Sciences*. 1(2), 70-87. (2013).
37. Rosa, A. Descriptive translation studies – DTS (revised version). In *Handbook of Translation Studies* (pp. 94-104). Ed. Yves Gambier and Luc van Doorslaer. Amsterdam: John Benjamins. (2016).
38. Saffarzadeh, T. *The Holy Quran*. Qom: Osveh. (2010).
39. Shuttleworth, M. & Cowie, M. *Dictionary of Translation Studies*. Manchester, UK: St Jerome Publishing. (1997).
40. Toury, G. *Translational norms and literary translation into Hebrew*. Tel Aviv: The Porter Institute for Poetics and Semiotics. (1977).
41. Toury, G. The nature and role of norms in translation. *Translation studies reader* (pp. 198-211). Ed. Lawrence Venuti. London and New York: Routledge. (1978).
42. Toury, G. *In search of a theory of translation*. Tel Aviv: The Porter Institute for Poetics and Semiotics. (1980).
43. Toury, G. *Descriptive translation studies and beyond*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins. (1995).

44. Vinay, J. P, and Darbelnet, J. *Comparative stylistics of French and English: a methodology for translation* (Juan C. Sager & M.J. Hamel Tran.). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins. (1995).
45. Vinay, J.-P., & Darbelnet, J. (1958/2000). A Methodology for Translation. [An excerpt from *Comparative Stylistics of French and English: A Methodology for Translation*, trans. and eds. J. C. Sager & M.-J. Hamel, Amsterdam: John Benjamins, 1995, first published in 1958 as *Stylistique comparée du français et de l'anglais. Méthode de traduction*] In L. Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader* (pp. 84–93). London: Routledge.
46. Weissbrod, R. Translation research in the framework of the Tel Aviv School of Poetics and Semiotics. *Meta*, 43(1), 35-45. (1998).
47. Yang, W. Brief study on domestication and foreignization in translation. *Journal of Language Teaching and Research*, 1(1), 77-80. (2010).
48. Yusuf ali, A. *The Holy Quran*. Maddinah: King Fahd Holy Quran Printing Complex. (1987).
49. Zahedi, S. *Native and non-native translators and the distribution of initial norm*. (M.A. thesis in translation studies). Allameh Tabatabaei University, Tehran. (2013).